

یک به علاوه یک = بینهایت

صنعت، رشد ۳ درصدی در بخش کشاورزی و همچنین افزایش ۲ درصدی در بخش خدمات، بیانگر روند کند اشتغال‌زایی در کشور است. از سوی دیگر، رکود مالی جهان، علیرغم همه مشکلاتی که به بار آورده و می‌آورد، می‌تواند فرصت مناسبی برای اقتصاد ایران باشد. نگرش به بازار خارجی با حمایت از کارآفرین داخلی، می‌تواند نقطه عطفی برای اقتصاد کشور محسوب شود. ارایه اطلاعات جامع و کامل - مبنی بر تحلیل بازار - به کارآفرین، می‌تواند انگیزه رقابت‌پذیری کارآفرینان داخلی را بیش از پیش افزایش دهد که این امر به رشد و توسعه ملی خواهد انجامید. به هر حال ره بسی طولانی است، مرکبی نو باید! مرکب نوی اقتصاد کشور ما حرکت به سمت کارآفرین است. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «کارآفرینی، چرخ هموار اقتصاد» در صفحات ۳۰ - ۲۳ می‌خوانیم.

بحران جهانی و اقتصاد ایران

شبح سرگردان بحران در ایران

دیدگاه دکتر محسن بلورفروش، اقتصاددان و کارشناس مسایل اقتصاد بین‌الملل، در رابطه با بحران جهانی و اقتصاد ایران



با وقوع رکود و بحران اقتصادی شدید دهه ۱۹۳۰، نظریات اقتصادی جدیدی مبتنی بر دخالت دولت‌ها جهت جلوگیری از بحران‌های رکودی ناشی از کمبود تقاضا قدم به عرصه علم اقتصاد نهاد. به طور ساده، مجموعه این نظریات در ۸ دهه اخیر، بر نقش دولت‌ها در افزایش تقاضای کل و جلوگیری از انباشت تولیدات مازاد بر تقاضا استوار می‌باشند.

در ابتدای هزاره جدید، پس از رونق صنایع کامپیوتری و بالاخره نزول بازار آنها، اقتصاد آمریکا با یکی از این رکودها مواجه گشت و بورس این کشور به شدت سقوط نمود. مسوولان اقتصادی وقت، جهت جلوگیری از بحران کامل اقتصادی، با کاهش نرخ بهره و افزایش اعتبارات عامه مردم، تقاضای بسیار بالایی را در بخش مسکن ایجاد نمودند. ترکیب مجموع سیاست‌های انبساطی در آمریکا در آن زمان کارآمد بود و باعث افزایش تقاضا در بازار مسکن و به تبع آن جلوگیری از رکود اقتصادی گردید. سیاست‌های اعتباری - پولی بانک مرکزی آمریکا توانست سال‌ها رونق نسبی در اقتصاد ایالات متحد ایجاد نماید. سیاست اعتبارات آسان، اگرچه در آن سال‌ها نقش مؤثری در جلوگیری از رکود اقتصاد بازی نمود، لیکن از ابتدا نقیض خود را نیز به همراه داشت. بازپرداخت اعتباری که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به آسانی پرداخته بودند، تا زمانی که قیمت مسکن در حال رشد بود، مشکلی به بار نیاورد ولی همین که این روند دچار وقفه گردید، بازپرداخت اقساط ماهانه به آسانی میسر نبود. با افزایش عدم بازپرداخت وام‌ها از نظر تعداد و مبلغ، خود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز دچار مشکل و کمبود نقدینگی گردیدند.

اقتصاد ایران

خدمات.

- سیاست‌های انبساطی مکرر دولت‌ها، جهت جلوگیری از بحران‌های به وجود آمده در دهه‌های گذشته، این بحران را تشدید کرده است.
- نزدیکی اقتصادهای جامعه جهانی به یکدیگر، این بحران را وسیع‌تر نموده است. به طوری که بحرانی که در آمریکا شروع شده بود، به دلیل همبستگی بازارهای مالی در دنیا، تاکنون اروپا، روسیه، ژاپن، چین، هند و سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است.
- ظهور اقتصادهای قدرتمند و رو به رشد جدید به خصوص چین و هند، تأثیر این بحران اقتصادی را بر کشورهای غربی و غیرغربی متفاوت نموده است.
- پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، باعث انتقال سریع اطلاعات بحران و رکود از یک طرف و شفافیت و صحت این اطلاعات از طرف دیگر گردیده است.
- مصادف بودن شروع این بحران با پایان دوره طولانی انتخابات آمریکا و استفاده جناح‌ها از این بحران برای کسب آرا، بر اثرات روانی این بحران افزوده است.
- به علت سیاست‌های انبساطی سریع و حجیم دولت‌ها برای جلوگیری و یا کاهش اثرات بحران بر اقتصاد و مردم، به نظر می‌رسد سرعت نزول تولید و اشتغال کاهش یابد، لیکن دوره رکود طولانی‌تر گردد.

افزایش بهای نفت و به تبع آن درآمد نفتی ایران در چند سال گذشته، این توهم را برای سیاست‌گذاران اقتصادی به همراه داشته که می‌توان بدون تمهیدات لازم، درآمد بالای نفتی را به اقتصاد کشور تزریق نمود و با استفاده از آن، بسیاری از مشکلات اقتصادی اعم از رشد و توسعه و یا توزیع درآمد را بهبود بخشید. لیکن نتیجه این تزریق، افزایش رشد نقدینگی و پیامد آن، افزایش قیمت‌ها و تورم شدید در اقتصاد ایران بوده است. جهت کنترل تورم، بانک مرکزی در یک سال گذشته، سیاست انقباضی در پیش گرفته و موفق شده رشد نقدینگی و تا حدودی رشد تورم - نه خود تورم - را مهار نماید.

نتیجه این سیاست، محدودیت منابع پولی تولیدکنندگان و افزایش هزینه تهیه این منابع بوده است. در بسیاری از زمینه‌ها، عرضه تولیدات کشور در تنگنای منابع اعتباری و افزایش هزینه تمام شده قرار گرفته‌اند. در مقابل، دولت

رکودی که بر اثر وام‌های بی‌ملاحظه در بخش ساختمان پیش آمده بود، در انتها به یک بحران مالی جهانی تبدیل شد. بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در وضعیت ورشکستگی قرار گرفتند. بحران اعتماد شکل گرفت و اعتبارات به میزان بسیار زیادی محدود شدند. در نهایت، بحران مالی اثر خود را بر کل پیکر اقتصاد آمریکا و سپس دیگر کشورها نشان داد. از اینجا به بعد، سوء مدیریت‌ها و معایبی که در سایر بخش‌های اقتصادی وجود داشت و در دوره رونق خود را نشان نمی‌داد و یا پوشانده می‌شد، شروع به جلوه‌گری نمود. به این ترتیب، اقتصاد آمریکا و به تبع آن اقتصاد جهان، وارد یک دوره بحران و رکود اقتصادی گردیدند. این بحران در مقایسه با رکودهای گذشته در جهان و به خصوص اقتصاد آمریکا، دارای ویژگی‌های خاص خود به شرح زیر می‌باشد:

- شروع بحران از بخش‌های پولی و مالی بوده است، نه تولیدات کالا و

در ایران هرگونه تحریک اقتصادی برای بالا بردن تقاضای کل، نتیجه‌ای جز افزایش بیش از پیش قیمت‌ها و تورم نخواهد داشت. در شرایط فعلی اقتصاد ایران، کاهش درآمد نفت، تولید و واردات را تحت تأثیر قرار داده و از یک طرف عرضه کل را کاهش داده و از طرف دیگر بهای کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، کلیه سیاست‌های اقتصادی و حمایتی دولت باید در جلوگیری از این رخداد، یعنی کاهش عرضه و افزایش قیمت‌ها متمرکز شوند. علاوه بر این، در کوتاه‌مدت و یا میان‌مدت، اصلاح ساختاری عرضه کالا و خدمات در اقتصاد ایران امکان‌پذیر نیست.

همچنین اصلاح ساختار تولید و عرضه کل از یک طرف و تنظیم رابطه تولیدات داخلی و بازرگانی خارجی، از هر دو جنبه صادرات و واردات باید مدنظر برنامه‌ریزان اقتصادی قرار گیرد. اعمال هرگونه سیاست اقتصادی غیرقیمتی و یا غیرتعرفه‌ای برای تنظیم قیمت‌ها و توزیع درآمد و یا کنترل اثرات کاهش درآمد ارزی، ناکارآمدی بیش از پیش اقتصادی کشور را به همراه خواهد داشت. در این شرایط، باید تخصیص بهینه منابع و جلوگیری از ناکارآمدی اقتصادی سرلوحه هرگونه برنامه‌ریزی اقتصادی قرار گیرد. ■

با ثابت نگه داشتن نرخ ارز و واردات آسان، سعی نموده تا حدودی افزایش هزینه تولیدات و تورم ناشی از آن را محدود نماید.

با بروز بحران اقتصادی در جهان، رشد اقتصادی کشورهای مختلف کاهش یافته و بعضاً صفر یا منفی نیز خواهد شد. بدیهی است کاهش این رشد، کاهش مصرف و تقاضای نفت برای اقتصاد جهان و کاهش بهای نفت و درآمد نفتی برای اقتصاد ایران را به همراه داشته است. کاهش درآمد نفتی در اقتصاد ایران، فشار بر نرخ ارز، پایان دوره واردات آسان و افزایش بهای تمام شده واردات را به بار می‌آورد. این عوامل از یک طرف، باعث کاهش واردات و از طرف دیگر، باعث تشدید تورم از ناحیه عرضه می‌شوند. لذا بحران اقتصادی که در غرب از تقاضای کل شروع شده، در اقتصاد ایران خود را از ناحیه عرضه نشان می‌دهد. این بدان معنی نیست که تقاضای کل اقتصاد ایران دست نخورده می‌ماند، لیکن اثر اصلی و جهت حمله این بحران بر اقتصاد ایران، از ناحیه عرضه کل خواهد بود.

در این شرایط، اگرچه در غرب و بیشتر اقتصادهای بحران زده دنیا، هدف اصلی، افزایش تقاضای کل برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن رکود می‌باشد، لیکن

نظام بانکی در کشور

خشک رود دجله بانکی



به علت درون‌زا بودن پول و آشکار شدن علایم رکود اقتصادی، کاهش رشد نقدینگی در جریان است.

شبکه بانکی کشور تا پایان شهریور سال جاری، در حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات، بیش از سپرده‌های غیردولتی پرداخت کرده است که این مبلغ، یک سوم کل سپرده‌های غیردولتی جذب شده در این مدت می‌باشد. براساس آخرین آمار منتشر شده بانک مرکزی، شبکه بانکی موفق به جذب ۱۵۶ هزار و ۶۴۶ میلیارد تومان سپرده غیردولتی تا پایان شهریور سال جاری شد که ۲۸ هزار و ۴۸۹ میلیارد تومان آن را نزد بانک مرکزی به عنوان سپرده قانونی ذخیره کرد. با کسر این مبلغ از سپرده‌ها، بانک‌ها باید به میزان ۱۲۸ هزار و ۱۵۷ میلیارد تومان تسهیلات پرداخت می‌کردند، در حالی که شبکه بانکی، حدود ۱۶۷ هزار و ۲۰۸ میلیارد تومان تسهیلات را در همین مدت پرداخت کرده است. مقایسه آمارهای فوق نشان می‌دهد که بانک‌ها، حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بیش از منابع جذب شده تسهیلات پرداخت کرده‌اند.

برای کمک به بانک‌ها در انجام تعهداتشان، با چاپ پول و پرداخت آن در قالب قرض به شبکه بانکی، تلاش کرد تعادل در بازار پولی کشور حفظ شود. اما اتخاذ این سیاست، دو پیامد عمده را برای کشور به همراه آورد. نخست افزایش حجم نقدینگی که طی سه سال دو برابر شد و از ۶۸ هزار و ۵۸۶ میلیارد تومان در پایان سال ۸۳ به ۱۶۴ هزار و ۲۹ میلیارد تومان در پایان سال ۸۶ رسید. اما روند افزایشی نقدینگی همچنان ادامه دارد، به طوری که رامین پاشایی فام، معاون اقتصادی بانک مرکزی، حجم نقدینگی را تا پایان آبان سال جاری ۱۷۰ هزار میلیارد تومان برآورد کرده است. دومین پیامد، افزایش نرخ تورم است که با افزایش نقدینگی شتاب گرفت، به طوری که سیر نزولی نرخ تورم که در سال ۸۴ به ۱۲/۱ درصد رسیده بود، دوباره اوج گرفت و به ۲۵/۴ درصد تا پایان آبان سال ۸۷ افزایش یافت.

اشتباه در محاسبه توان مالی بانک‌ها

فشارهای بیرونی و برخورد دستوری با بانک‌ها، تنها دلایل بحران منابع نظام بانکی نبودند. دولت به اشتباه، توان پرداخت تسهیلات بانک‌ها را در زمان شیبانی (رییس کل اسبق بانک مرکزی) ۱۴۰ هزار میلیارد تومان محاسبه کرد، در حالی که قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها ۲۰ هزار میلیارد تومان بود. بر این اساس، بانک‌ها می‌توانستند تا سقف ۲۸۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات در اختیار متقاضیان قرار دهند که این سنجش، معیار دولت برای وعده‌های سفرهای استانی برای پرداخت تسهیلات قرار گرفت. با اعمال فشار بر بانک‌ها برای تحقق اهداف دولت، پیامدهای دیگری نیز شکل گرفت. افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، یکی از آنهاست، به طوری که هم‌اکنون اضافه برداشت بانک‌ها به ۱۳ هزار

روند عدم رعایت تناسب بین منابع و مصارف شبکه بانکی و پرداخت تسهیلات بیش از منابع همیشه وجود داشت، ولی در دولت نهم شدت گرفت. در نخستین سال آغاز به کار دولت، منابع جذب شده بانک‌ها حدود ۸۷ هزار و ۳۴ میلیارد تومان بودند. بر همین اساس، بانک‌ها به میزان ۸۳ هزار و ۲۸۳ میلیارد تومان تا پایان مدت زمان یادشده تسهیلات پرداخت کردند. مقایسه آمار فوق نشان می‌دهد که بانک‌ها در اسفند ۸۴ به میزان ۳ هزار و ۷۵ میلیارد تومان کمتر از سپرده‌های جذب شده تسهیلات پرداخت کرده‌اند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند اگرچه در برخی مواقع، منابع و مصارف بانک‌ها سر به سر بوده‌اند، اما به دلیل فشارهای بیرونی حاکم بر شبکه بانکی، بانک‌ها به جایی رسیده‌اند که منابعشان ته کشیده است. در این بین، توجه به نظر یکی از مسؤولان بانکی ضروری است. غلامحسین الهام، سخنگوی دولت، طی یک اظهارنظر، نگاه ویژه دولت را نسبت به بانک‌ها و پرداخت تسهیلات این گونه تشریح می‌کند: «اختصاص منابع بانکی به ۱۰ درصد جامعه و محروم ماندن ۹۰ درصد از این منابع، موجب استثمار مردم از طریق بهره‌مندان از منابع بانکی می‌شود.»

سفرهای استانی رییس‌جمهور و وعده‌های ایشان در این سفرها و حتی طرح بنگاه‌های زودبازده که در دولت خاتمی اجرا و با شکست مواجه شد، همگی بر